

## متهم: به خاطر دخالت‌های مادر زیم قاتل شدم



مرد افغان که به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد در جلسه دادگاه گفت که دخالت‌های مادر زوش در زندگی او منجر به بروز حادثه خونین شده‌است.

به گزارش جوان، ۱۰ تیرسال۹۸، مأموران کلانتری ۲۳ انبرداز درگیری خونین در منزل مسکونی در خیابان خاوران باخسر و راهی محل شدند. با حضور مأموران در محل روند تحقیقات‌نشان داداماد۴۴ساله خانواده به نام امان همسرش میناومادر وی را مجروح و روانه بیمارستان کرده و خود او هم از محل متواری شده‌است.تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا اینکه از بیمارستان خبر رسید همسر ۲۷ساله متهم بر اثر شدت جراحات فوت کرده.

■ **اقرار به قتل**

با قتل زن جوان پرورنده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و متهم تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه چند روز بعد از حادثه شناسایی و بازداشت شد. متهم با اقرار به جرمش گفت: «من و مینا چند سال قبل در افغانستان ازدواج کردیم و صاحب یک فرزند بودیم که برای کار به ایران آمدم. مدتی دنبال کار بودم و در

یک ساختمان نیمه‌کاره مشغول کار شدم. زندگی خوبی داشتیم، ولی بعد از مدتی کارم از دست مادم بیگار شدم. در حالی که فرزند دوممان هم به دنیا آمده بود، از همسر خواستم به افغانستان برگردیم، اما او موافقت نکرد. او تحت

تأثیر حرف‌های مادرش مدام با من درگیر بود. متهم در شرح حادثه گفت: روز حادثه آنجا بود که از شدت عصبانیت چاقو را برداشتم و چند ضربه به همسر

کشید. آنجا بود که از شدت عصبانیت چاقو را برداشتم و چند ضربه به همسر و مادر زیم زدم و فرار کردم.» با اقرارهای متهم وی بعد از بازسازی جرمه جرمی راهی زندان شد و پرورنده با کامل شدن تحقیقات وی توسط میز هیئت قضایی شعبه‌دم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت.ابتدای جلسه نماینده دادستان متن کیفرخواست را قرائت کرد و گفت رئیس قوهقضائیه از طرف فرزند مقتول درخواست دیه را مطرح کرده‌است.

■ **در خواست قصاص برای داماد خشکین**

در ادامه اولیای دم در جایگاه ایستادند و برای متهم در خواست قصاص کردند. مادر مقتول نیز گفت: «دامادم دخترم را بی‌رحمانه کشت. او قصد داشت مرا هم به قتل برساند، ولی به طور معجزه‌آمیزی زنده ماندم. از خون دخترم نمی‌گذرم و برای دامادم در خواست قصاص دارم. برای جراحات خودم نیز در خواست دیه دارم.»

با این درخواست متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و با قبول جرمش گفت: «من به اصرار خانواده همسرم و خود همسرم به ایران آمدم چون همه خانواده‌ام در افغانستان بودند و نمی‌خواستم از آنها جدا باشم. از طرفی کار و در آمد خوبی هم داشتم. به هر حال مجبور شدم به خاطر اینکه زندگی‌ام را از دست ندهم به ایران بیایم. مدتی بیکار بودم و در آمدی نداشتم. بالاخره در یک ساختمان نیمه کاره مشغول کار شدم اما آن هم موقتی بود و بعد از اتمام آن کار ساختمان دوباره بیکار شدم. من و همسرم صاحب یک فرزند بودیم و به تا زگی صاحب فرزند دوم هم شده بودیم. به همین خاطر از پس سخارج زندگی بر نمی‌آمدم و او همسرم خواستم تا به افغانستان برگردیم، اما او مخالفت می‌کرد و راضی به برگشت نمی‌شد.»

متهم ادامه داد: «من و همسرم مشکلی نداشتم و تنها اختلاف ما موضوع برگشت به افغانستان بود و این اختلاف با دخالت‌های خانواده‌اش به خصوص

مادر زیم شدت تر شده بود و همین باعث شد همسرم چند بار قهر کند و به

خانه مادرش برود.»

متهم گفت: «هر بار که همسرم خانه را ترک می‌کرد دنبالش می‌رفتم و او را به خانه می‌آوردم. اما مینا این دفعه آخر با تحریک حرف‌های مادرش راضی نمی‌شد به خانه برگردد. شرایط طوری شده بود که آنها حتی اجازه نمی‌دادند فرزندمان را ببینم و با حرف‌های پتان مرا از می‌دادند. بارها مقابل در خانه‌شان رفتم و التماس کردم، اما مادرش مقابل می‌آمد و اجازه صحبت با مینا را نمی‌داد. او می‌گفت من کار درست و حسابی ندارم و لیاقت این زندگی را ندارم.»

متهم در خصوص تشریح جزئیات روز حادثه گفت: «چند روز قبل از حادثه برای انجام کاری به کلانن رفتم. بعد از انجام کار در راه برگشت تصمیم گرفتم به خانه مادر زیم بروم و حرف آخر را با آنها بزنم. با خودم فکر می‌کردم اگر این بار همسر راضی به برگشت نشد حرف طلاق را بزنم تا شاید به خاطر دو فرزندمان قبول کند. با ذهنی مشغول و فکرهای جورواجور و پریشان‌گردد به خانه مادر زیم رسیدم و زنگ در را زدم. آنها وقتی فهمیدند من مقابل در هستم در را باز نکردند. دوباره زنگ زدم که این بار مادر زیم در را باز کرد، ولی اجازه نداد تا یله بالا بروم و مراد حیاط نگه داشت. همسر مرا صدا کرد و او را از خواستم این بازی‌ها را تمام کند و سر زندگی‌اش بی‌گردد. سپس دوباره حرف با برگشت به افغانستان شد و گفتیم در آنجا می‌توانم کار کرد و در آمد بهتری داشته باشم. تا حرف برگشت به افغانستان شد یکبار هم مینا شروع به داد و فریاد کرد. خواستم آرام باشم، اما او از شدت عصبانیت دستر و پسرم را مقابل چشمم کتک زد و سپس آنها را به طرف راه پله‌ها هل داد و پله‌ها را بست. مادر زیم با هم با خودم بهم بریم چندماه بیشتر نداشت و شیر مادرش را می‌خورد. به او گفتم چطور راضی می‌شوی فرزند چند ماهه‌ات را رها کنی که تا ناگهان مادر زیم جلو آمد و با دخالت‌هایش کار را بدتر کرد. در آن شرایط کنترل اعصابم را از دست دادم و او پله‌ها را قطع و وارد خانه شدم. سپس از آشپزخانه یک کاردر برداشتم و چند ضربه به همسرم زدم. مادر زیم که با دیدن این صحنه شروع به فحاشی می‌کرد از شدت عصبانیت به او هم ضربه زدم و از خانه فرار کردم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

## بازداشت قاتل فراری در تهران

مردی که متهم است پس از ارتکاب قتل در شهرستان پیشوا به تهران گریخته بازداشت شد.

به گزارش جوان سرهنگ مسعود فرامرزی، فرمانده انتظامی شهرستان پیشوا گفت: چند روز قبل مأموران پلیس از کشف جسد مردی میانسال در حاشیه شهر با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به مردی ۴۷ساله‌است که با ضربات چاقو از ناحیه گردن و سینه هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده‌است. همچنین مشخص شد که چند روز از ارتکاب قتل گذشته است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. هم‌زمان با شناسایی هویت تحقیقات برای بازداشت عامل یا عاملان حادثه به جریان افتاد. در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد که مقتول از مدتی قبل با یکی از دوستانش اختلاف دارد که وی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و روز گذشته مخفیگاه وی در تهران شناسایی و بازداشت شد. متهم در بازجویی با اعتراف کرد که به خاطر اختلاف شخصی و چند دست به ارتکاب جنایت زده‌است. تحقیقات از متهم در جریان است.

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۴۳۵

# مادر افسرده نوزادش را به دامن مرگ سپرد

زن جوانی که پس از زایمان دچار افسردگی شدید شده بود، نوزاد شیرخوارش را از بالکن طبقه پنجم خانه‌شان به پایین پرت کرد. ساختمان مسکونی در جنوب تهران با شنیدن صدای هولناکی از خانه‌هایشان بیرون آمدند. اهالی ساختمان داخل حیاط با جسد بی‌جان نوزادی روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت بر اثر سقوط از ارتفاع به طرز دلخراشی فوت کرده‌است و بلافاصله موضوع را به اداره پلیس خبر دادند.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۴ غیائی راهی محل شدند که در یافتن نوزاد فوت شده دختر است و والدین او از طبقه ۵ ساختمان که در آن زندگی می‌کنند او را به پایین پرت کرده‌اند.

بدین ترتیب با مشخص شدن مرگ مشکوک نوزاد، قاضی رحیم دشتیان، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. یکی از همسایه‌ها گفت: داخل خانم‌ها نشسته بودم که صدای مهبیی از داخل حیاط به گوشم رسید. به سرعت به داخل حیاط رفتم و همسایه‌ها هم آمده بودند که با جسد بی‌جان این نوزاد دختر روبه‌رو شدم. وی ادامه داد: ما خبر داشتیم که همسایه طبقه پنجم تازه زایمان کرده و دختر به دنیا آورده‌است و فهمیدیم که نوزاد فوت شده از بالکن طبقه پنجم به پایین پرت شده و فهمیدم که نوزاد فوت شده از زایمان گرفته به

ما فکر کردیم برای مادرش اتفاق بدی افتاده است و به سرعت به در خانه‌شان رفتم، اما هر چقدر در زیم کسی در را باز نکرد که به به اداره پلیس خبر دادیم.

■ **افسردگی دارم**

بدین ترتیب تیم جنایی برای بررسی موضوع راهی طبقه پنجم شدند که زن ۳۸ساله‌ای در خانه را باز کرد و گفت مادر نوزاد فوت شده است. وی در توضیح حادثه در ادعایی گفت: چهار سال قبل ازدواج کردم و یکسال بعد هم اولین دخترم به دنیا آمد که الان سه‌ساله است تا اینکه سال قبل دوباره باردار شدم و چند روز قبل هم دومین دخترم به دنیا آمدم.

من در این چند روز به شدت افسردگی بعد از زایمان گرفتم به

# عرب‌ده‌کشی روی گسل فرودستی اجتماعی



■ **حسین فصیحی**

صداها ایشان را ته گلو می‌اندازند و عریده می‌کشند، قمه‌هاشان را که در هوا می‌چرخانند زمین و زمان زیر پایشان می‌لرزد آن وقت است که از وحشت مردم خوششانشان می‌شود، اما وقتی گرفتار پلیسی می‌شووند خودشان را به کوچه علی‌چی می‌زنند و همه چیز را انکار می‌کنند.

این روزها با گسترش شبکه‌های اجتماعی خبر وقوع خیلی از حوادث قبل از اینکه به دست پلیس برسد در فضای عمومی جامعه منتشر می‌شود.

بخشی از این اتفاق‌ها مربوط است به شرارت‌های گاه و بی‌گاه اوباش که در نقاط مختلف شهرها رقم می‌خورد فیلم آن در فضای سایبری منتشر می‌شود. مثل فیلمی که روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و نشان داد چندشور قمه به دست در روز روشن وارد فروشگاه بزرگی در محله طلاب مشهد می‌شوند و با عریده‌کشی و ضرب و جرح فرورشدگان مقداری مرا از می‌دادند. بارها مقابل در خانه‌شان رفتم و التماس می‌کنند و سوار ترک موتورهایی که را کیش منتظرشان هستند می‌شوند و الف‌را! هر چند تجربه نشان داده که بروز این رفتارهای

مجرمانه خیلی زود از نسوی پلیس پاسخ داده‌می‌شود، اما تجربه مضایف هم نشان داده که برخورد قانونی با این دسته از افراد نتوانسته است

از باز تولید اشراش شود.

■ **آوازه شرارت**

ارادل و اوباش برای خوشان ویژگی‌های خاص دارند از جمله اینکه در دنیای آنها نوجه پوروی مرسوم است و توجه‌ها عمدتاً بر بلیت کسی قرار می‌گیرند که روز بازروی بیشتری داشته باشد. بخشی از اعتبار اوباش هم به رد چاقو و قمه‌هایی است که در چهره و بدن آنها ایجاد شده است. بخش دیگری از اعتبار اوباش به خالکوبی‌های جورواجوری است که برای قدرت‌نمایی و عرض آتش میل به دیده شدن رادر وجودشان مشهور است. سرخوردگی و توسری خوردن‌های مدام این میل به دیده شدن را در وجودشان شعله‌ور می‌کند و طغیان آن است که شرارت‌های گاه و بی‌گاهشان را رقم می‌زند. آمد و شده‌ای مستمر



طوری که دائم گریه می‌کردم و از اینکه بچه‌ام به دنیا آمده بود عصبانی بودم. امروز همسرم در خانه نبود و من همراه دو دخترم بودم که دختر شیرخوارم شروع به گریه کرد. هر چقدر تلاش کردم او را آرام کنم موفق نشدم و صدای گریه او لحظه به لحظه بلندتر می‌شد به طوری که تحمل شنیدن صدای او را نداشتم.

در حقیقه که می‌گذشت من بیشتر عصبانی می‌شدم تا اینکه یک لحظه نوزادم را برداشتم و روی بالکن رفتم و او را به پایین پرت کردم. بعد از این همسایه‌ها به در خانه آمدند اما من در را باز نکردم. هم‌زمان با ادامه تحقیقات دربار این حادثه زن جوان به دستور قاضی دشتیان بازداشت شد و برای انجام معاینات روانپزشکی در اختیار پزشکی قانونی قرار گرفت.

## رئیس پلیس پایتخت: به مجرمان مجال جولان نمی‌دهیم

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تأکید بر اینکه مبارزه جدی و بی‌امان با سرقت و زورگیری ادامه دارد از مأموران تحت امرش خواست اجازه ندهند که مجرمان حاشیه امن داشته باشند.

به گزارش جوان، سردار حسین رحیمی در جلسه‌ای با حضور فرماندهان، رؤسا و مسئولان فرماندهی انتظامی پایتخت

گفت: مجرمان نباید هرگز احساس امنیت و آرامش داشته باشند. وی با اشاره به اینکه نیروی انتظامی مسئول برقراری امنیت است، ادامه داد: مسئله سرقت تأثیر مستقیم بر امنیت جامعه دارد و آرامش مردم را به مخاطره می‌اندازد از این رو باید با دقت و سرعت موضوع سرقت در دستور کار کلانتری‌ها و پایگاه‌های آگاهی قرار گیرد. وی افزود: بهترین، پویاترین و کارگشسته‌ترین نیروهایتان را در حوزه بر خورد با موضوع سرقت و دستگیری سارقان قرار دهید و فراموش نکنید که مردم ولی نعمت ما هستند و ما خدمتگزار مردم هستیم.

سردار رحیمی با تأکید بر اینکه با حضور فعال پلیس مجرمان نباید هرگز احساس امنیت و آرامش داشته باشند، عنوان داشت: هیچ مجرمی نباید در حوزه استحضافی شما حاشیه امن داشته باشد. وی افزود: باید در قبال همه‌انجام‌های خرابی‌های مسئول بدانیم و بی‌تفاوت از کنار آن عبور نکنیم. سردار رحیمی با اشاره به اینکه امنیت موقله‌ای فراخی است، بیان داشت: مهم سایر دستگاهها و سازمان‌ها در کاهش تخلفات الرخصا کنند و از آنها مطالبه‌گری کنید.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اشاره به اینکه مبارزه جدی و بی‌امان با سرقت و زورگیری باید در دستور کار همه کلانتری‌ها و پلیس آگاهی قرار بگیرد، عنوان داشت: نباید به هیچ وجه به سارقان و مالخران فرصت جولان بدهیم و لازم است آموزش‌های لازم در راستای مقابله با سرقت به اقشار مختلف جامعه داده شود.

### قطع و وصل برق

## جان دختر ۶ساله را گرفت

دختر بچه خردسال که همراه دوستانش مشغول بازی کنار کولر آبی در پشت بام خانه بود به دلیل قطع و وصل شدن برق جانش را از دست داد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۵:۳۰ بعدازظهر روز چهارشنبه شانزدهم تیر مأموران کلانتری ۱۵۱ بافت‌آباد به قاضی مصطفی واحدی، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تلفنی خبر دادند که دختر خردسالی در بیمارستان شهدای بافت‌آباد به طرز مشکوکی فوت کرده است. با اعلام این خبر بازرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی بیمارستان شدند که دریافتند ساعتی قبل بیکر نیمه‌جان دختر شش‌ساله‌ای در حالی که حکایت از آن داشته دچار برق گرفتگی شده است برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. پس از این تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات جان وی انجام می‌دهند، اما در نهایت دختر خردسال روی تخت بیمارستان به کام مرگ می‌رود. همچنین مشخص شد دختر فوت شده زمانی که برق خانه‌شان می‌رود همراه تعدادی از بچه‌های همسایه برای بازی به پشت‌بام می‌رود و لحظه حادثه هم به کولر تکه داده که برق منطفه وصل می‌شود و دچار برق گرفتگی می‌شود.

■ **شکایت از اداره برق**

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات به سراغ خانواده دختر فوت شده رفتند که یکی از اعضای خانواده وی با شکایت از اداره برق که باعث مرگ دختری شده بود، گفت: محل زندگی ما ساختمان مسکونی چهار طبقه‌ای است که در یکی از واحدهای آن من همراه خانواده‌ام زندگی می‌کنم. ما همه از بستگان نزدیک هم هستیم که در این ساختمان زندگی می‌کنیم و به همین خاطر همیشه در خانه یکدیگر دوره‌می می‌گیریم. ساعتی قبل از حادثه، برق محله ما رفت که من همراه تعدادی از همسایه‌ها به خانه همسایه طبقه چهارم رفتم. و باهم حرف می‌زدیم. دخترم همراه بچه‌های همسایه برای بازی به پشت بام رفتند و در حال بازی بودند که ناگهان برق آمد و همان لحظه هم صدای هولناکی از پشت‌بام به گوشمان رسید و بعد هم سر و صدای بچه‌ها بلند شد که در خواست کمک می‌کردند.

وی ادامه داد: به سرعت همراه همسایه‌ها به پشت بام رفتم که دیدم دخترم در گوشه‌ای روی زمین افتاده و بی‌هوش شده‌است که فهمیدم برق کولر او را گرفته‌است. به سرعت دخترم را به بیمارستان رساندیم، اما متأسفانه به خاطر قطع وصل شدن ناگهانی برق دخترم را از دست دادم و الان ما از اداره برق به خاطر مرگ دخترم شکایت داریم. یکی از بچه‌های ساختمان هم که شاهد حادثه بود، گفت: وقتی برق رفت ما برای بازی به پشت‌بام رفتم و باهم بازی می‌کردیم اما دختر همسایه‌ها ماجدا شد و به یکی از کولرها تکیه دادم بود که ساعتی بعد ناگهان او چند متر آن طرف پرت شد و فهمیدیم که او دچار برق گرفتگی شده است. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد دختر فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. همچنین با توجه به شکایت اولیای دم از اداره برق قاضی مصطفی واحدی پرورنده شد علت حادثه قطع وصل ناگهانی برق بوده یا اینکه کولر ایراد فنی داشته است.

### آگهی فقدان سند مالکیت

نظریه اینکه آقای مهدی باقری کشوک به استناد و کالتنامه شماره ۵۴۵۷۵ مورخ ۱۱۰۰/۲/۸ از طرف آقای خانعلی قادر جوان به استناد اوراق استنهادیه جهت دریافت مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مر اجاره نموده و مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ پلاک باقیمانده ۱۳۳۱ فرعی از ۱۲۵۶-۷ اصلی بخشنه شد مشهود مفقود شده است.
بابررسی دفتر املاک معلوم شد ذیل دفتر املاک ۲۳۶ صفحه ۳۱۸ شماره ثبت ۴۰۵۴۰ بنام مهدی نجاتی یزدی زاده ثبت وسند مالکیت به شماره ۱۱۶۹۳۱ صادر گردیده است و سپس مع الیواسطه به موجب سند انتقال شماره ۱۴۶۳۱۲ مورخ ۱/۶/۱۳۸۷/۲ دفتر خانه ۴۷ مشهد بنام خانعلی قادر جوان سند انتقال یافته است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی صادر و متذکر میگردد. هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و یا مدعی وجود سند نزد خود است، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به بیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

**نیت استناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس**

### آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت( برگ سبز) و سند کمپانی خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای به شماره موتور ۱۳۴۸۴۰۷۱۱۶۹ و به شماره شاسی ۱۴۲۲۵۲۸۳ و به شماره انتظامی ۱۵/ایران ۸۶۹ ب ۸۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است تبریز

### آگهی مفقودی

برگ سبز تراکتور سیستم آی تی ام (ITM) تیب ۲۸۵ مدل ۱۳۸۳ به رنگ قرمز روغنی به شماره موتور ۱۳۵۲۸N به شماره شاسی ۰۱۱۲۶۹ و به شماره انتظامی ۸۷-۳۲۱-۱۷ متعلق به حمزه علی طهماسبی فرزند محمد به شماره ملی ۵۶۰۹۴۱۴۸۳۰ به شماره شناسنامه ۴۴۵ صادره از زنجان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز

### آگهی مفقودی

کارت شناسایی خودرو هاچ بک رنو تیپ \_ SANDERO STEP۷AT مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران) ۳۷۶ ۶۸ ۵۱ به شماره موتور K۴M۶B۷ \_ ۱۳۴۸۳ W شماره شاسی ۱۱۰۲۲۴۸ N۱۰۳۶۹۷ N۱۰۳۶۱۵۳ متعلق به مریم غلامی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

### آگهی مفقودی

برگ سبزی، موتور سیکلت سیستم ز یگما تیپ CS۱۲۵ مدل ۱۳۹۱ رنگ زرد شماره پلاک (ایران) ۳۳۳-۳۵۲۳۶ به شماره موتور \*۱۲۰۰۱۲۴# EMIN۱D۱۵۲ شماره تنه \*۱۲۵X۹۱۰۰۱۴#NID متعلق به عبدالرضا بالیخانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز